

تحلیل مضمون اندیشه‌های عرفانی عمر بن الحفیظ یمنی با تأکید بر ترویج رویکرد اجتماعی

سید جواد حسینی^۱، سید علی بطحائی^۲

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت رسانه و علوم اجتماعی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

s.j.hosseini@urd.ac.ir

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده مطالعات ملل اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: a.bathaei@urd.ac.ir

چکیده

در جهانی که جوامع اسلامی با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند، بررسی عرفانی که به مسائل اجتماعی می‌پردازد، ضروری به‌نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف بررسی نقش اندیشه‌های عمر بن حفیظ، خطیب معاصر یمنی، در بازتعریف عرفان اجتماعی و تأثیر آن بر جوامع اسلامی انجام شده است.

در مطالعه پیش‌رو به روش تحلیل مضمون و رویکرد کیفی، اندیشه‌های عرفانی بن حفیظ با تحلیل هفت مصاحبه منتشر شده (۲۰۰۲-۲۰۱۱) در رسانه‌های یمنی و بین‌المللی بررسی شد. داده‌ها با نرم‌افزار مکس کیودا و در چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل و ۱۹۱ کد استخراج شدند. برای سنجش اعتبار روایی تحلیل مضمون و اطمینان از دقت و صحت کدگذاری‌ها از ضریب هولستی استفاده شد. یافته‌ها شش مضمون اصلی را شناسایی کردند: عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق، اصلاح گفتمان دینی، پرهیز از خشونت و ترویج عدالت، گفتگو و هم‌زیستی، نقد افراط‌گرایی و اهمیت علم و تربیت دینی. بن حفیظ عرفان را ابزاری برای تزکیه نفس، خدمت به خلق و تقویت همبستگی اجتماعی تعریف می‌کند. مساجد در اندیشه او مراکز تربیت معنوی و اخلاقی‌اند که باید از سیاسی‌سازی مصون بمانند. او با رد خشونت و تکفیر، بر گفتگو، عدالت و همکاری با غیرمسلمانان برای انسجام اجتماعی تأکید دارد. علم دینی معتبر و عقلانیت نیز در دیدگاه او بستری برای پیشگیری از انحرافات عقیدتی و اصلاح جامعه فراهم می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد اندیشه‌های بن حفیظ، با پیوند معنویت، اخلاق و کنش اجتماعی، الگویی جامع برای تربیت معنوی و مقابله با چالش‌هایی نظیر افراط‌گرایی و گسست‌های فرهنگی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها:

اصلاح گفتمان دینی، تحلیل مضمون، عرفان اجتماعی، عمر بن الحفیظ، نقد افراط‌گرایی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

عرفان و معرفت شهودی به خداوند متعال از نیازهای فطری و بنیادین انسان به‌شمار می‌آید و در طول تاریخ همواره نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به گرایش‌های معنوی و سلوک‌های فردی و اجتماعی ایفا کرده است. این گرایش در سنت اسلامی با عنوان «عرفان اسلامی» جلوه‌ای اصیل یافته و براساس متون و حیانی و آموزه‌های شریعت، مسیر کمال انسان را از طریق تقوا، تهذیب نفس و اتصال به کمال مطلق ترسیم کرده است. عرفان ناب اسلامی علاوه بر جنبه فردی، واجد بعد اجتماعی نیز هست و از این رهگذر، در بستر تاریخ اسلام جریان‌هایی از «عرفان اجتماعی» را پدید آورده که هم در گسترش اسلام در مناطق مختلف از جمله جنوب شرق آسیا و شبه‌قاره هند و سایر بلاد و هم در اصلاح اجتماعی و تربیت انسان‌ها نقش آفرین بوده‌اند. بررسی حرکت‌های صوفیانه در جنوب شرق آسیا، شبه‌قاره هند (لایپدوسی، ۱۳۸۱: ۶۶۴؛ موثقی، ۱۳۸۱: ۱۸۸) و شمال آفریقا (موثقی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۳) نشان می‌دهد عارفان مسلمان با رویکردی مسالمت‌آمیز و همساز با نیازهای مردم، در نشر اسلام و ایجاد تحولات معرفتی و اجتماعی مؤثر بوده‌اند.

با وجود این، بسیاری از پژوهش‌های معاصر، کمتر به ابعاد اجتماعی عرفان پرداخته‌اند و تمرکز بیشتری بر جنبه‌های فردی سلوک عرفانی داشته‌اند (نصر، ۱۳۹۱). این در حالی است که تحولات جوامع اسلامی معاصر و نیاز به بازتعریف نقش دین و معنویت در عرصه‌های اجتماعی، ضرورت واکاوی اندیشه‌های عارفانی را که عرفان را در تعامل با اجتماع و نه صرفاً در خلوت فردی جستجو کرده‌اند، آشکار می‌سازد. یکی از چهره‌های برجسته این جریان، «عمر بن الحفیظ» خطیب یمنی و بنیان‌گذار مؤسسه آموزشی، پژوهشی و تبلیغی دارالمصطفی است که اندیشه‌های او الگویی نوین از عرفان اسلامی را عرضه می‌کند؛ الگویی که سلوک فردی و اجتماعی را توأمان ترسیم می‌کند و می‌کوشد معنویت را در متن حیات جمعی مسلمانان احیا کند. با وجود تأثیر گسترده عمر بن حفیظ، هیچ پژوهش نظام‌مندی به روش تحلیل مضمون به واکاوی اندیشه عرفان اجتماعی او نپرداخته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که اندیشه‌های عمر بن حفیظ در حوزه عرفان اجتماعی چگونه به بازتعریف جایگاه و کارکرد عرفان در جامعه اسلامی معاصر کمک می‌کند و مهم‌ترین مؤلفه‌های این رویکرد چیست.

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه اندیشه‌های عرفان اجتماعی، شخصیت‌های مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. قرقره‌چی و همکاران (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیدند که عرفان اجتماعی براساس هدایت، تربیت و ولایت، جامعه را به سمت عقلانیت، معنویت، حریت (آزادی درونی و بیرونی) و عدالت سوق می‌دهد. این فرایند نیازمند رشد حداقلی عقلی و معنوی جامعه است. آن‌ها در مقایسه‌ای بین عرفان اجتماعی شفیعی کدکنی و لوکاچ، به دیدگاه لوکاچ اشاره کردند که معتقد است انسان با بازگشت به ارزش‌های اصیل و معنوی، مانند یاری دیگران و مهرورزی، می‌تواند رضایت روحی یابد. شفیعی کدکنی نیز در اشعارش با زبانی نمادین و بهره‌گیری از عناصر طبیعی، به عشق، انسانیت، آزادگی و معرفت می‌پردازد و دغدغه‌های وطن و جامعه را طرح می‌کند. لوکاچ خودآگاهی اخلاقی را در فداکاری می‌بیند و نظریه‌هایی برای ایجاد نظمی اجتماعی ارائه می‌دهد که وابستگی اقتصادی و تنزل کرامت انسانی را پایان دهد. این مقاله اندیشه‌های این دو را بررسی می‌کند. رودگر (۱۴۰۰) عرفان اجتماعی را در منظومه فکری مرتضی مطهری، دانشی می‌داند که اصول و مسائل عرفان اسلامی را با مبانی، مقوله‌ها و غایات علوم اجتماعی هم‌راستا می‌کند و در ساحت‌های بینشی، گرایشی و کنشی عارفان اصیل متجلی می‌سازد. این رویکرد، عرفان اجتماعی را به‌عنوان بستری برای تبیین رابطه فرد و جامعه در چارچوب تمدن اسلامی مطرح می‌کند. از این‌رو، تبیین و تشریح عرفان اجتماعی از اهمیت، ضرورت و حساسیت ویژه‌ای در نظام اندیشه فردی، زیست اجتماعی و به‌ویژه تمدن‌سازی اسلامی برخوردار است. مطهری با نگاهی فیلسوفانه و

بهره‌گیری از فلسفه مضاف و معرفت‌شناسی درجه دوم، به این حوزه توجه نشان داده و در دو مسیر به بازسازی و نقد عرفان پرداخته است: نخست، نقد ایجابی عرفان موجود از طریق بازشناسی و بازسازی مفاهیم، مبانی و مقامات عرفانی، و دوم، نقد سلبی عرفان و تصوف تاریخی با تکیه بر منطق قرآنی، سنت و سیره معصومان (ع). این رویکرد، عرفان اجتماعی را به‌عنوان الگویی جامع برای تعامل فرد و جامعه در راستای تحقق آرمان‌های تمدنی معرفی می‌کند.

پژوهش‌های انجام‌شده نشان‌دهنده آن است که در حوزه عرفان اجتماعی «عمر بن حفیظ» هیچ‌گونه مطالعه و پژوهشی انجام نشده است. پژوهش حاضر با تحلیل مضمون اندیشه‌های عرفانی عمر بن حفیظ و تبیین رویکرد اجتماعی نهفته در آن، تلاشی نوآورانه در گسترش ادبیات علمی عرفان اجتماعی و بازشناسی ظرفیت‌های معاصر آن به‌شمار می‌آید.

۰۳ روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است. براساس تعریف نوآوری و مارتینی (Kasiram, 2008)، رویکرد کیفی داده‌ها را در بستر طبیعی آن‌ها و بدون تبدیل به اعداد یا نمادهای کمی تحلیل می‌کند و پدیده‌ها را در زمینه واقعی خود بررسی می‌کند. در این پژوهش، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است؛ تحلیلی که روشی کارآمد برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای معنادار در داده‌های کیفی شناخته می‌شود. تحلیل مضمون فرایندی نظام‌مند است که با سازمان‌دهی داده‌های متنی پراکنده و متنوع، آن‌ها را به مجموعه‌ای منسجم، غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). نسخه‌های مدرن تحلیل مضمون براساس میزان اتکای آن‌ها به روش‌های کیفی طبقه‌بندی شده‌اند (Braun & Clarke, 2022). چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک - آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بررسی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و نوشتن گزارش - همچنان سنگ‌بنای انجام تحلیل مضمونی قوی است (Braun & Clarke, 2024). هر مرحله به‌طور سیستماتیک به توسعه بینش‌های معنادار کمک می‌کند و درعین حال به محقق اجازه می‌دهد تا در طول فرایند، فعالانه با داده‌ها درگیر باشد.

جامعه آماری این پژوهش، شامل مجموعه‌ای از مصاحبه شبکه‌های مختلف رسانه‌ای با عمر بن الحفیظ یمنی در بازه‌ای ده‌ساله است که در منابع مکتوب و دیداری-شنیداری داخلی و بین‌المللی منتشر شده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل هفت مصاحبه انجام‌شده با روزنامه یمنی ۲۶ سپتامبر (۲۰۰۲)، روزنامه الکترونیکی یمنی المؤتمر نت (۲۰۰۳)، مجله الاهرام العربی (۲۰۰۳)، روزنامه الجدوه (۲۰۰۸)، نیویورک تایمز (۲۰۰۹)، مجله یمنی شعاع الأمل (۲۰۱۰) و مصاحبه‌ای با کانال SBS استرالیا (۲۰۱۱) است. اهمیت این مصاحبه‌ها در آن است که بازتابی مستقیم و اصیل از اندیشه‌های اجتماعی و عرفانی وی در بسترهای مختلف فرهنگی، سیاسی و دینی هستند. تنوع زمانی و جغرافیایی منابع، امکان تحلیل تطبیقی و روندی را فراهم می‌سازد و به فهم تحولات فکری او کمک می‌کند. این مصاحبه‌ها به‌عنوان داده‌های کیفی، منبع اصلی برای استخراج مضامین عرفان اجتماعی در اندیشه‌های الحفیظ هستند.

براساس معیارهای تحلیل کیفی و مطابق با رویکردهای پیشنهادی در مطالعات روش‌شناسی (Guest, Bunce, & Johnson, 2006)، در این پژوهش با توجه به استخراج بیش از ۱۹۱ کد، تکرار معنادار مضامین اصلی و عدم ظهور مضامین جدید در مراحل پایانی تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که اشباع نظری محقق شده است. به عبارت دیگر، داده‌های جدید صرفاً موجب تقویت مضامین پیشین شده‌اند و هیچ دسته یا مفهوم تازه‌ای به ساختار تحلیل نیفزوده‌اند؛ امری که نشانه‌ای از کفایت حجم داده و جامعیت تحلیل محسوب می‌شود.

درصد توافق، یکی از شاخص‌های ساده و پرکاربرد در ارزیابی میزان اعتبار روایی تحلیل‌های کیفی، به‌ویژه در فرایند کدگذاری داده‌ها به‌شمار می‌رود. این شاخص بیانگر درصد توافق میان کدگذاران درخصوص کدگذاری واحدهای یکسان از داده‌ها است (Neuendorf, 2002). روش هولستی^۱ (Holsti, 1969) نیز گونه‌ای اصلاح‌شده از شاخص درصد توافق است که در شرایطی که کدگذاران روی نمونه‌های متفاوت از داده‌ها کدگذاری انجام داده باشند، کاربرد بیشتری دارد. فرمول این روش به شرح زیر است:

$$PAO = \frac{2A}{N1 + N2}$$

در این معادله، PAO درصد توافق میان دو کدگذار را نشان می‌دهد. A بیانگر تعداد مواردی است که هر دو کدگذار به تصمیم مشترک رسیده‌اند و N1 و N2 به‌ترتیب، نشان‌دهنده تعداد تصمیمات هریک از کدگذاران است. در صورت دستیابی به ضریب هولستی بالاتر از ۸۰ درصد، توافق بین پژوهشگران به‌طور قابل‌قبولی تأیید می‌شود و اعتبار کدگذاری‌ها افزایش می‌یابد. در صورتی که میزان توافق پایین‌تر از حد مطلوب باشد، فرایند کدگذاری مجدداً مورد بازنگری و اصلاح قرار می‌گیرد تا اعتبار تحلیل‌ها بهبود یابد. در این پژوهش، برای سنجش اعتبار روایی تحلیل مضمون و اطمینان از دقت و صحت کدگذاری‌ها، از ضریب هولستی استفاده شد. داده‌های این پژوهش با اتکا بر هفت مصاحبه‌ی عمر الحفیظ با روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری گردآوری شده است. این محدودیت با هدف تمرکز بر بازنمایی اندیشه‌های عرفانی و اجتماعی در گفتمان رسانه‌ای و سازگاری با روش تحلیل مضمون توجیه می‌شود و ممکن است بررسی سایر آثار مکتوب بن حفیظ مانند کتاب‌های او ابعاد جدیدی را آشکار کند.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. حبیب عمر بن محمد بن حفیظ

عمر بن محمد بن سالم بن حفیظ، خطیب و واعظ، رئیس دارالمصطفی برای مطالعات اسلامی در شهر تریم یمن و عضو شورای عالی مشورتی موسسه طابه در ابوظبی است. در سال ۱۹۶۳، در شهر تریم از توابع حضرموت یمن به دنیا آمد. او خود را از نوادگان امام حسین (ع) می‌داند و از خاندان هاشمی البعلاوی حضرمی است. او در تریم، تحت نظر پدرش، مفتی و عالم برجسته منطقه و علمای بزرگ حضرموت، مراتب مختلف علوم دینی از جمله فقه، تفسیر، حدیث، اصول، عقاید، زبان عربی و آداب اسلامی را آموخت. در پانزده‌سالگی به تدریس و موعظه پرداخت و هم‌زمان به یادگیری ادامه داد. در سال ۱۹۸۱ به دلیل فشارهای رژیم کمونیستی یمن به شهر البیضاء مهاجرت کرد و فعالیت‌های تبلیغی‌اش را در شهرهایی مانند الحدیده و تعز گسترش داد. برای کسب علم از شیخ ابراهیم بن عمر بن عقیل به این مناطق سفر می‌کرد. در آوریل ۱۹۸۲ به حرمین شریفین سفر کرد. نزد علمایی مانند حبیب عبدالقادر السقاف، حبیب احمد مشهور الحداد و ابوبکر العطاس به تحصیل پرداخت و از شیخ محمد یاسین الفدانی و سید محمد بن علوی المالکی اجازه‌نامه‌های حدیث و علم رجال دریافت کرد. در سال ۱۹۹۰ به دعوت علمای صلاله به عمان رفت و یک سال و نیم به تدریس و تربیت دینی مشغول بود. سپس در سال ۱۹۹۲ به الشحر در حضرموت بازگشت و با تأسیس «مؤسسه مطالعات اسلامی الشحر» به تدریس علوم اسلامی ادامه داد. در سال ۱۹۹۴، به تریم بازگشت و تأسیس «دارالمصطفی للدراسات الإسلامیه» را آغاز کرد. این مؤسسه در راستای احیای سنت نبوی و تربیت نسل جدیدی از حاملان علوم اسلامی، با سه هدف اصلی آموزش، تهذیب نفس و تربیت نسل پویا و فعال برای گسترش آموزه‌های دینی در سطح جهانی بنیان نهاده شد.

از آن زمان تاکنون، دانشجویانی از اقصی نقاط جهان در این مرکز به تحصیل پرداخته و بسیاری از آنان مؤسسات مشابهی را در کشورهای خود تأسیس کرده‌اند.

حبیب عمر بن حفیظ به بسیاری از شهرهای یمن و همچنین کشورهای اسلامی و غیراسلامی سفر کرد و در آنجا به تبلیغ، تدریس و گفتگو با علمای ادیان پرداخت. کشورهایمانند شام، مصر، سودان، هند، پاکستان، اندونزی، مالزی، سنگاپور، برونی، سریلانکا، کنیا، تانزانیا و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس از مقاصد تبلیغی او بوده‌اند. او همچنین در کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی شرکت کرده است. از جمله دوازدهمین کنفرانس مجمع تحقیقات اسلامی الازهر، قاهره (۲۰۰۲)، مجمع بین‌المللی محققان در مالزی، تحت عنوان «اسلام در عصر جهانی‌شدن» (۲۰۰۳)، کنفرانس «این است اسلام»، سریلانکا (۲۰۰۲)، کنفرانس «هدایت نبوی در موعظه و ارشاد»، امارات (۲۰۰۴)، کنفرانس «ما و دیگری»، کویت (۲۰۰۶)، گفتگوی اسلام و مسیحیت در دانشگاه کمبریج، بریتانیا (۲۰۰۸) (عمر الحفیظ، ۲۰۲۱)، کنفرانس چچن (مؤتمر الشیشان، ۲۰۱۶) و نامه سرگشاده‌ای که توسط رهبران مسلمان به مسیحیان با عنوان «سخن مشترک بین ما و شما» (۱۳ اکتبر ۲۰۰۷) نوشته شده، عمر الحفیظ جزو امضاکنندگان این نامه است (A common word, 2007).

او آثار متعدد علمی، اخلاقی و عرفانی به صورت مکتوب، صوتی و تصویری منتشر کرده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: إسعاف طالبی رضا الخلاق بیان مکارم الأخلاق، الخطاب الإسلامی فی المؤسسات الدینیة، شرح منظومة السند العلوی، خلقنا، الذخيرة المشرفة (وقد ترجم بعدة لغات)، خلاصة المدد النبوی فی الأذکار، الضیاء اللامع بذكر مولد النبی الشافع، ثقافة الخطیب، الخطاب الإسلامی فی المؤسسات الدینیة، مملکه القلب والأعضاء، توجيهات الطلاب (بن حفیظ، ۲۰۲۱).

عمر حبیب در فهرست ۵۰۰ مسلمان تأثیرگذار سال ۲۰۲۵، رتبه دوم را کسب کرد. این رتبه‌بندی سالانه توسط مرکز شاهزاده الولید برای تفاهم مسلمانان و مسیحیان دانشگاه جورج تاون و مرکز سلطنتی مطالعات استراتژیک اسلامی اردن تهیه می‌شود. حبیب از زمان انتشار اولین شماره این فهرست در سال ۲۰۰۹، هر ساله در بین نفرات نخستین از ۵۰ نفر برتر این فهرست قرار داشته است (The Muslim 500, 2025).

۲-۴. عرفان اجتماعی

عرفان اجتماعی، از دو مفهوم «عرفان» و «اجتماع» تشکیل شده است. از نظر ابن‌فارس، عرفان در لغت از ماده «عَرَفَ» به معنای سکون و آرامش است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۸۱). همچنین به معنای شناختن و آگاهی (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۱۰) و شناختن و بازشناختن (معین، ۱۳۸۱: ۱۰۵۹) است. در اصطلاح، «عرفان» عبارت است از شناخت خدای متعال، صفات و افعال او؛ شناختی که نه از راه فکر و استدلال، بلکه از طریق ادراک قلبی و دریافت باطنی حاصل شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۳۳). عرفان با اشکال گوناگونش در تمام ادوار و در میان همه اقوام و ملل وجود داشته است (یثربی، ۱۳۸۷: ۵۴). هدف عرفان معطوف به انسان و عبارت است از «رسیدن انسان با کل وجودش به حقیقت (خدا)، [یا] فناء فی‌الله». عارف برای رسیدن به این هدف از مسیری می‌گذرد. این راه «راه تزکیه و تصفیه و سیروسلوک» است. در این میان، وسیله یا به تعبیر او مرکب نیز دل عارف است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۹۱). کسی که فکر خود را متوجه عالم قدس کرده است تا نور حق پیوسته بر باطن او بتابد، «عارف» نامیده می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۱۴۹).

واژه Community به معنای اجتماع از ریشه لاتین Communis (مشارکت عامه) گرفته شده است. در فارسی، اصطلاح اجتماع از زبان عربی اخذ شده و به معنای جماعت، انبوهی، اشتراک و وفاق عمومی به کار رفته است (آراسته‌خواه، ۱۳۷۰: ۷۴)؛ یعنی آنچه از چندین جا

و جنبه، گردآوری و جمع می‌شود. ابن منظور می‌گوید: تَجَمَّعَ القوم؛ یعنی آن قوم از اینجا و آنجا جمع شدند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰) یا به مفهوم گردآمدن و انجمن شدن در نظر گرفته شده است (معین، ۱۳۸۱: ۹۱).

عرفان اجتماعی در مطالعات اسلامی، به‌ویژه در حوزه‌های تصوف و اخلاق، مفهومی است که به پیوند میان سلوک فردی عارفانه و کارکردهای اجتماعی آن می‌پردازد. این رویکرد، برخلاف عرفان فردگرایانه که بر انزوا و تمرکز درونی تأکید دارد، عرفان را ابزاری برای خیر جمعی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه تلقی می‌کند. در این چارچوب، عرفان اجتماعی با بهره‌گیری از مبانی عرفان اسلامی، مفاهیمی مانند خدمت به خلق، اصلاح ساختارهای اجتماعی، عدالت‌خواهی و سوق‌دادن جامعه به سوی زیست اخلاقی-معنوی را تبیین می‌کند و بستر لازم برای ارتقای تعاملات انسانی را فراهم می‌سازد.

انسان عارف با یقین برای نشر توحید (که بالاترین ذکر است) و خدمت به موحدان، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. تلاش می‌کند در متن مردم باشد و مشکلات ایشان را حل کند، اما دنیاطلبی دامن او را نگیرد؛ بنابراین عارف باید از دنیا منزوی باشد، نه از مردم و خدمت‌گزاری به ایشان. ضمن آنکه انسان عارف در برابر تکامل معنوی افراد جامعه نیز مسئول است و وظیفه همراهی مردم را در سیر الی الله به‌عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۴۹)؛ بنابراین عرفانی است که دو مقوله هدایت اجتماعی و مدیریت اجتماعی در آن از موقعیت ممتاز برخوردار است که در سفر سوم و چهارم اسفار اربعه عرفانی متبلور خواهد شد و می‌تواند جامعه‌شناسی و جامعه‌سازی خاص به خود را به ارمغان بیاورد. خاستگاه عرفان اجتماعی اسلامی آموزه‌ها و معارف وحیانی قرآن و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است که موجب می‌شود حقیقت فطری که در انسان نهاده شده را متوجه ملکوت عالم هستی کند و آن را به گرایش معنوی، عشق به کمال و جمال نامتناهی حق تعالی وادار کند (عبداللهی و رضانی، ۱۴۰۱). عمر بن الحفیظ راه رسیدن به این حقیقت در عرفان را بازگشت به منبع رسالت پیامبر (ص) می‌داند (بن‌حفیظ، ۲۰۰۹) و می‌گوید که داعی باید با اخلاص کامل برای خدا، رحمت به مردم و نمایاندن چهره زیبای شریعت در گفتار، کردار و تعامل عمل کند (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱).

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به روش تحلیل مضمون و با نرم‌افزار مکس کیودا، اندیشه‌های عمر الحفیظ یمنی در بستر عرفان اجتماعی واکاوی شدند. اندیشه‌های عمر الحفیظ، به‌ویژه در بعد عرفانی آن، واجد مضامینی ژرف و چندلایه‌اند که تأمل در آن‌ها می‌تواند به تبیین نسبت دین، جامعه و عرفان یاری رساند. در چارچوب این پژوهش، با رویکرد تحلیل مضمون، مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی اندیشه‌های او شناسایی و طبقه‌بندی شده است. این مضامین نمایانگر پیوند وثیق میان عرفان و کنش اجتماعی، اخلاق دینی و تلاش برای تحقق عدالت و صلح در بستر زندگی جمعی‌اند.

جدول ۱. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر اندیشه‌های عرفان اجتماعی عمر الحفیظ

مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
تأکید بر پیروی از روش پیامبر (ص) برای حفظ اعتدال و دوری از افراط و تفریط	اعتدال و میانه‌روی در دین	عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی
رد تعصبات مذهبی و حزبی که دین را از رسالت اصلی‌اش دور می‌کند		
پذیرش اختلافات در مسائل فرعی فقهی به‌شرط پایبندی به اصول معتبر	اخلاص و معنویت در دعوت دینی	عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی
تأکید بر اخلاص در دعوت به خدا و پرهیز از انگیزه‌های نفسانی		
اهمیت معنویت و ذکر خدا در تهذیب نفس و آرامش قلب	خیرخواهی و خدمت به خلق	عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی
خیرخواهی و خدمت به دیگران به‌عنوان بخشی از عرفان اجتماعی		
تأکید بر ارزش‌های انسانی مشترک برای خدمت به جامعه	تصوف به‌عنوان تزکیه نفس و احسان	عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی
تعریف تصوف به‌عنوان پاکسازی قلب و کسب صفات نبوی		
تأثیر علمای صوفی در گسترش اسلام از طریق اخلاق و رفتار نیکو		

		تأکید بر پیوند علم و عمل در تربیت معنوی و اخلاقی
اصلاح گفتمان دینی و نقش نهادهای دینی	مساجد به‌عنوان مراکز معنوی و تهذیب مسئولیت خطیبان و علما در هدایت و اصلاح	مساجد به‌عنوان مراکز معنوی برای تهذیب نفس و تقویت ارتباط با خدا
		رد استفاده از مساجد برای اهداف سیاسی و حزبی
		مسئولیت خطیبان در دعوت خالصانه به خدا و پرهیز از تحریف
		نقش علما در ترویج علم و اخلاق برای اصلاح جامعه
پرهیز از خشونت و ترویج عدالت اجتماعی	رد خشونت و ظلم در اسلام	ناسازگاری اسلام با خشونت خانگی و هرگونه ظلم
		رد اقدامات خشونت‌آمیز غیرشرعی و تروریسم
		تأکید بر صلح و برپایی حکومتی عادلانه و منصفانه
		جهاد به‌عنوان تلاش شرعی برای خیر بشریت، نه خشونت بی‌جا
گفتگو، هم‌زیستی و همکاری اجتماعی	گفتگو برای تبیین دین و رفع سوءتفاهم‌ها همکاری و هم‌زیستی با غیرمسلمانان	نقش گفتگو در تبیین اصول دین و کاهش سوءتفاهم‌ها
		همکاری با غیرمسلمانان برای تحقق منافع عمومی
		ترویج هم‌زیستی براساس ارزش‌های انسانی مشترک
		رد تکفیر بدون مبنای شرعی و خطرات آن
نقد افراط‌گرایی و تکفیر	خطرات افراط‌گرایی و تکفیر اصلاح گفتمان برای پیشگیری از افراط نقش سوءفهم از دین در انحرافات	شناسایی فقدان علم و تربیت به‌عنوان ریشه‌های افراط‌گرایی
		اصلاح گفتمان دینی از طریق گفتگو و تربیت صحیح
		مشکلات ناشی از برداشت‌های نادرست از دین
		نقش رسانه‌ها و اطرافیان در تقویت برداشت‌های نادرست
اهمیت علم و تربیت دینی	کسب علم از منابع معتبر تربیت ایمانی و اصلاح امت	تأکید بر دریافت علم دینی از منابع معتبر و دارای سند
		نقش تربیت ایمانی در اصلاح جامعه و تقویت پیوند با دین

در جدول ۱ که نتیجه ۱۹۱ کد است و به دلیل حجم زیاد کدها از آوردن آن‌ها در متن مقاله صرف‌نظر می‌شود، مضامین اندیشه‌های عمر بن الحفیظ در قالب سه سطح مفهومی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر طبقه‌بندی شده‌اند که بیانگر ساختار منسجم و چندلایه گفتمان عرفانی-اجتماعی او هستند. جدول نشان می‌دهد او برای مواجهه با مسائل اجتماعی، هم‌زمان از زبان دین، عرفان و عقلانیت بهره می‌برد. این تحلیل گواهی است بر آنکه عرفان اجتماعی نزد او نه تنها امری روحی و درونی، بلکه حرکتی به‌سوی کمال فردی و اصلاح جمعی است.

۱-۵. عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی

مضمون فراگیر «عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی» در اندیشه‌های عمر الحفیظ براساس ده مضمون پایه و سه مضمون سازمان‌دهنده اعتدال و میانه‌روی در دین، تصوف به‌عنوان تزکیه نفس و احسان، خیرخواهی و خدمت به خلق همچنین اخلاص و معنویت در دعوت دینی شکل گرفته است. با توجه به این مضمون فراگیر می‌توان گفت اندیشه عرفان اجتماعی عمر الحفیظ بر پایه تعالیم اسلامی و سیره نبوی استوار است و بر حفظ اعتدال و دوری از افراط و تفریط تأکید دارد. الحفیظ معتقد است: «اعتدال و میانه‌روی با پیروی از روش پیامبر اکرم (ص) محقق می‌شود؛ روشی که نه تساهل و کوتاه‌آمدن از اصول دین است و نه غلو و سخت‌گیری در مسائل غیرمتفق‌علیه» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۲). همچنین او اعتدال را از طریق رفتار نبوی ترویج می‌کند: «سیره پیامبر (ص) در مدینه نشان می‌دهد ایشان خیانت پیمان را به همه یهودیان تعمیم ندادند و فقط بنی‌نضیر را مخاطب قرار دادند، نه بنی‌قینقاع یا بنی‌قریظه. فقط کسانی که مستقیم وارد جنگ شوند، باید با آن‌ها مقابله کرد» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). او تعصبات مذهبی و حزبی را که دین را از رسالت اصلی‌اش یعنی هدایت و تهذیب نفس دور

می‌کند، پذیرفته نمی‌داند: «برخی تصور می‌کنند حمایت از دین به معنای حمایت از حزب یا رأی خودشان است» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). او تعصبات را مانع خلوص دین می‌داند: «خطیب... باید خود را متعلق به حق و شریعت بدانند» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳) و پذیرش اختلافات در مسائل فرعی فقهی را مشروط به پایبندی به اصول معتبر می‌پندارد. «در صورت ضرورت... می‌توان به نظر یکی از مذاهب معتبر عمل کرد» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). پذیرش این اختلافات تنش‌ها را کاهش می‌دهد: «اختلاف در مسائل فرعی... نه تفرقه است، نه تضاد» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۹). الحفیظ اخلاص در دعوت به خدا را محور عرفان قرار می‌دهد و از انگیزه‌های نفسانی پرهیز می‌کند: «برای رفع گفتمان دینی، باید اخلاص... را تقویت کرد» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۹). او معنویت و ذکر خدا را برای آرامش قلب و تهذیب نفس ضروری می‌بیند و خیرخواهی و خدمت به دیگران را جزء لاینفک عرفان اجتماعی می‌داند. تصوف در نگاه او پاک‌سازی قلب و کسب صفات نبوی است که از طریق اخلاق و رفتار نیکو به گسترش اسلام کمک می‌کند: «تصوف را به معنای پاک‌سازی قلب، کسب صفات نبوی... بدانیم» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۹). الحفیظ با تأکید بر ارزش‌های انسانی مشترک، خدمت به جامعه را ترویج می‌دهد و پیوند علم و عمل را برای تربیت معنوی و اخلاقی حیاتی می‌داند. «دارالمصطفی بر سه هدف کسب علوم شریعت از طریق سند معتبر تهذیب نفس، ترکیه و پاک‌سازی آن از اخلاق ناپسند و آراستن به ویژگی‌های پسندیده قرار گرفته است. نشر این خیر با ابزارهای مناسب در میان امت، استوار است» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). این اندیشه عرفانی عمل‌گرا و جامعه‌محور را ارائه می‌دهد که با اصول اسلامی و نیازهای اجتماعی همخوانی دارد.

۲-۵. اصلاح گفتمان دینی و نقش نهادهای دینی

مضمون فراگیر «اصلاح گفتمان دینی و نقش نهادهای دینی» براساس چهار مضمون پایه و دو مضمون سازمان‌دهنده شکل گرفته است. عرفان اجتماعی عمر الحفیظ، با تأکید بر پیوند معنویت و اصلاح جامعه، مساجد را به‌عنوان کانون‌های معنوی برای تهذیب نفس و تقویت ارتباط با خدا معرفی می‌کند. او مساجد را نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه مرکزی برای تربیت اخلاقی و اجتماعی می‌داند که باید از هرگونه استفاده سیاسی و حزبی مصون بماند. الحفیظ معتقد است سیاسی‌سازی مساجد (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۲) کارکرد اصلی آن‌ها را که دعوت خالصانه به سوی خدا است، مخدوش می‌کند: «مساجد مکان‌هایی برای تهذیب هستند» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳) و «تبدیل مساجد به مقرهای حزبی، خیانت در امانت است» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). خطیبان در نگاه او مسئولیت دارند با پرهیز از تحریف و تمرکز بر ارزش‌های الهی، گفتمانی اصیل و معنوی را ترویج دهند. علما نیز در این چارچوب، با ترویج علم و اخلاق، نقشی محوری در اصلاح جامعه ایفا می‌کنند. آن‌ها باید با تکیه بر عقلانیت و معنویت، جامعه را از خرافات و انحرافات دینی پاک‌سازی و افراد را به سوی وحدت و عدالت هدایت کنند (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). عرفان اجتماعی الحفیظ، با تأکید بر تقوا و اخلاق، به‌دنبال ایجاد تعادل بین علم، عرفان و عمل اجتماعی است تا نهادهای دینی به‌عنوان محورهای اصلاح و پیشرفت عمل کنند.

۳-۵. پرهیز از خشونت و ترویج عدالت اجتماعی

مضمون فراگیر «پرهیز از خشونت و ترویج عدالت اجتماعی» براساس پنج مضمون پایه و سه مضمون سازمان‌دهنده رد خشونت و ظلم در اسلام، ترویج عدالت و انصاف در صلح و حکومت و جهاد در چارچوب شرعی و اخلاقی تشکیل شده است. اندیشه‌های عرفان اجتماعی عمر الحفیظ، ریشه در تعالیم اسلامی دارد که بر صلح، عدالت و خیر بشریت تأکید می‌کند (بن‌حفیظ، ۲۰۱۰). او خشونت خانگی و هرگونه ظلم را به‌دلیل ناسازگاری با اصول اخلاقی و معنوی اسلام، قاطعانه رد می‌کند و معتقد است: «خشونت خانگی... به‌هیچ‌وجه مورد تأیید اسلام نیست» (بن‌حفیظ، ۲۰۱۰). او هرگونه آزار را محکوم می‌کند (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). الحفیظ معتقد است اسلام به‌عنوان دینی رحمانی، هرگونه اقدام خشونت‌آمیز غیرشرعی، از جمله تروریسم، را محکوم می‌کند و آن را مغایر با روح دین می‌داند. «ریختن خون یک انسان بی‌گناه... سنگین‌تر است» (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). او همچنین اقدامات غیرشرعی مانند ۱۱ سپتامبر را رد می‌کند (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳) و ترساندن بی‌گناهان را ناسازگار

با شریعت می‌پندارد (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). در دیدگاه او، جهاد به معنای تلاش شرعی برای بهبود جامعه و خیر بشریت است، نه بهانه‌ای برای خشونت بی‌جا که به بدنامی اسلام منجر می‌شود. «جهاد... خیر بشریت را در پی دارد...» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). او جهاد را تلاشی اخلاقی می‌داند (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). الحفیظ سوءاستفاده از جهاد را نقد می‌کند (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). خشونت غیرشرعی را محکوم می‌کند و گفتگو را ترویج می‌دهد. عرفان اجتماعی الحفیظ بر ترویج حکومتی عادلانه و منصفانه تأکید دارد (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱) که در آن، عدالت اجتماعی از طریق گفتگو، احترام متقابل و دوری از نفرت محقق می‌شود. «هر صلیحی که براساس عدالت و انصاف باشد، صلح واقعی است» (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). از دیدگاه او حکومت ظالمانه نامشروع است: «هر حکومتی که بر پایه کینه بنا شده باشد پذیرفته نیست» (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). این دیدگاه با نفی استبداد و ترویج برابری، به دنبال ایجاد جامعه‌ای صلح‌آمیز و عاری از ترس است که در آن، حقوق همه افراد محترم شمرده می‌شود. در اندیشه عرفان اجتماعی عمر الحفیظ، رابطه میان عدالت و پرهیز از خشونت رابطه‌ای متقابل و بنیادین است. به این معنا که تحقق صلح پایدار و اخلاقی فقط در صورتی ممکن است که بر عدالت و انصاف استوار باشد و از هرگونه خشونت و ظلم، اعم از خشونت خانگی، استبداد سیاسی یا اقدامات تروریستی پرهیز شود. الحفیظ با استناد به تعالیم اسلامی، خشونت غیرشرعی را مغایر با رحمانیت دین می‌داند و جهاد را نه ابزاری برای اعمال زور، بلکه تلاشی اخلاقی برای خیر و بهبود جامعه تفسیر می‌کند. او تأکید دارد که گفتگو، احترام متقابل و رفع کینه‌ورزی، راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و برابری‌اند و هر حکومتی که بر پایه ظلم یا نفرت بنا شود، مشروعیت ندارد. به این ترتیب، عدالت به‌عنوان غایت و پرهیز از خشونت به‌عنوان روش، دو اصل جدانشدنی در ایجاد جامعه‌ای صلح‌آمیز و انسانی محسوب می‌شوند.

۵-۶. گفتگو، همزیستی و همکاری اجتماعی

مضمون فراگیر «گفتگو، همزیستی و همکاری اجتماعی» که براساس سه مضمون پایه و دو مضمون سازمان دهنده گفتگو برای تبیین دین و رفع سوءتفاهم‌ها و همکاری و همزیستی با غیرمسلمانان شکل گرفته است. عرفان اجتماعی عمر الحفیظ گفتگو را به‌عنوان ابزاری کلیدی برای تبیین اصول دینی و کاهش سوءتفاهم‌ها معرفی می‌کند: «گفتگو و تفاهم... مشکلات را رفع می‌کند» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). این گفتگو با تکیه بر ارزش‌های انسانی مشترک مانند عدالت و محبت، فضایی برای درک متقابل ایجاد می‌کند و از تقابل‌های ناشی از تعصبات دینی جلوگیری می‌کند: «ارزش‌هایی مشترک میان همه انسان‌های خردمند وجود دارد» (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). همکاری با غیرمسلمانان در راستای منافع عمومی، از منظر الحفیظ، ریشه در وحدت انسانی دارد که فراتر از مرزهای دینی، خیر جمعی را هدف قرار می‌دهد (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز، با تأکید بر فطرت الهی مشترک، به انسجام اجتماعی و کاهش تعارضات منجر می‌شود. این رویکرد با الهام از تعالیم قرآنی، ارزش‌هایی نظیر صلح و تعاون را تقویت و به توسعه پایدار کمک می‌کند.

۵-۷. نقد افراط‌گرایی و تکفیر

مضمون فراگیر «نقد افراط‌گرایی و تکفیر» در اندیشه‌های عمر الحفیظ، براساس پنج مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده خطرات افراط‌گرایی و تکفیر، اصلاح گفتمان برای پیشگیری از افراط و نقش سوءفهم از دین در انحرافات شکل گرفته است. عرفان اجتماعی عمر الحفیظ با تأکید بر پیوند معنویت و اخلاق اجتماعی، تکفیر بدون مبنای شرعی را محکوم می‌کند و آن را نتیجه جهل دینی و فقدان تربیت اخلاقی می‌داند: «تکفیر... به استحلال ناحق خون و مال منجر می‌شود» (بن‌حفیظ، ۲۰۰۳). این رویکرد، ریشه‌های افراط‌گرایی را در برداشت‌های نادرست از متون دینی و نبود گفتگوی عقلانی جستجو می‌کند که به تعصب و خشونت منجر می‌شود (بن‌حفیظ، ۲۰۰۲). الحفیظ اصلاح گفتمان دینی را از طریق تربیت مبتنی بر فطرت الهی و گفتگوی بین‌فرهنگی پیشنهاد می‌دهد (بن‌حفیظ، ۲۰۰۹). او نقش رسانه‌ها و

اطرافیان را در تقویت تفاسیر نادرست و تعصبات برجسته می‌سازد و بر آموزش اخلاق محور و عقلانی برای مقابله با این مشکلات تأکید دارد (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). این دیدگاه با ترویج وحدت و محبت، تکفیر را انحرافی از حقیقت دین و مانعی برای جامعه معنوی می‌داند.

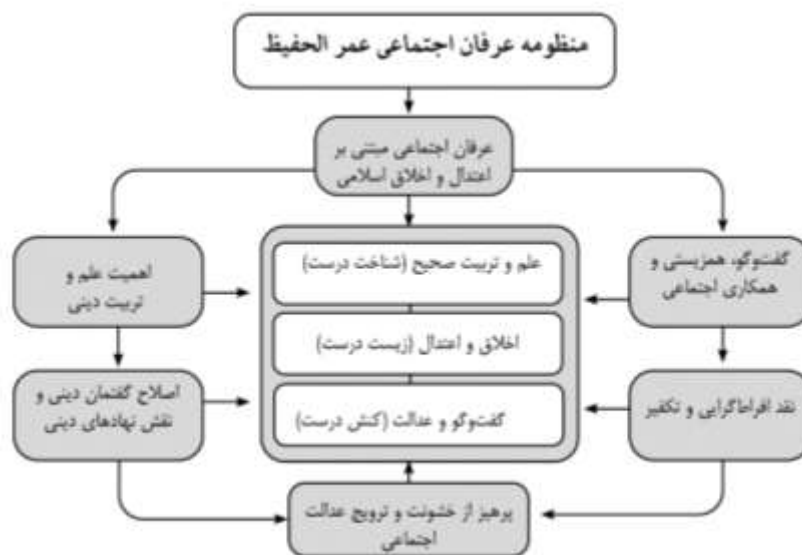
۸-۵. اهمیت علم و تربیت دینی

مضمون فراگیر «اهمیت علم و تربیت دینی» در اندیشه‌های عمر الحفیظ، براساس دو مضمون پایه و دو مضمون سازمان‌دهنده کسب علم از منابع معتبر و تربیت ایمانی و اصلاح امت تشکیل شده است. عرفان اجتماعی عمر الحفیظ، با تأکید بر پیوند عمیق میان معنویت و اصلاح جامعه، بر دریافت علم دینی از منابع معتبر و دارای سند اصرار دارد. این رویکرد ریشه در باور به ضرورت معرفت الهی و خداشناسی دارد که از طریق متون معتبر دینی مانند قرآن و احادیث و با تکیه بر عقل و تدبر به دست می‌آید (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). الحفیظ معتقد است علم دینی معتبر به‌عنوان بستری برای تربیت ایمانی، نه تنها فرد را به کمال معنوی می‌رساند، بلکه جامعه را از طریق تقویت ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی اصلاح می‌کند. تربیت ایمانی در این نگاه، با پرورش روحیه همدلی، تساهل و هدایت‌گری، پیوند فرد با دین را عمیق‌تر می‌کند و به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه منجر می‌شود (بن‌حفیظ، ۲۰۱۱). این نوع تربیت، با تأکید بر منابع معتبر، از انحرافات عقیدتی جلوگیری و ایمان را به‌عنوان زیربنای اعمال نیک و آرامش روانی در جامعه تقویت می‌کند. در نتیجه عرفان اجتماعی الحفیظ، علم دینی را ابزاری برای تعالی فردی و اجتماعی می‌داند که با تکیه بر منابع معتبر، به اصلاح جامعه و تحکیم ارتباط با دین کمک می‌کند.

ماده انتشار

۶. بحث

با توجه به مضامین شش‌گانه عرفان اجتماعی عمر الحفیظ، این نتیجه به دست می‌آید که این مضامین نه خطوط جداگانه، بلکه یک منظومه منسجم و خودپایدار بر سه محور بنیادین علم و تربیت صحیح (شناخت درست)، اخلاق و اعتدال (زیست درست) و اخلاق و اعتدال (کنش درست) استوار است که در آن، هر جزء، دیگری را تغذیه و تقویت می‌کند و نظام فکری منسجمی را تشکیل می‌دهند که درون‌مایه آن «تربیت انسان معتدل اخلاق‌مدار خدمت‌گزار» است.



نمودار ۱. عرفان اجتماعی در اندیشه عمر بن الحفیظ

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد عرفان اجتماعی در اندیشه عمر بن الحفیظ یعنی بر محور اعتدال، اخلاق اسلامی و خدمت به جامعه استوار است. این عرفان با ایجاد پیوند میان معنویت، اصلاح اجتماعی و عدالت، در زمره جریان‌های نوگرایی عرفان اجتماعی در جهان اسلام قرار می‌گیرد. در مقایسه با پژوهش رودگر (۱۴۰۰) درباره عرفان اجتماعی در اندیشه شهید مطهری، هردو متفکر عرفان را از تجربه‌ای فردی به عرصه‌ای تمدنی ارتقا داده‌اند و آن را مبنای پیوند عقلانیت و معنویت در اصلاح جامعه دانسته‌اند. همچنین نتایج پژوهش با مطالعه قرقه‌چی و همکاران (۱۴۰۱) درباره شفیع کدکنی همخوانی دارد؛ زیرا هردو دیدگاه عرفان را عامل انسان‌گرایی، عشق و هم‌زیستی اجتماعی معرفی می‌کنند. در مجموع هر سه منظومه فکری (مطهری، شفیع کدکنی و الحفیظ) بر اعتدال، اخلاق و نفی افراط‌گرایی تأکید دارند که نشانه شکل‌گیری گفتمان مشترک عرفان اجتماعی اصلاح‌گرایانه در جهان اسلام است.

با این حال، اندیشه الحفیظ در سه محور از پیشینه متمایز است: نخست، غلبه رویکرد تربیتی و دعوتی بر فلسفی یا ادبی؛ دوم، تلفیق عرفان با عدالت اجتماعی و نفی خشونت سیاسی، و سوم، اصلاح گفتمان دینی از درون نهادهای دینی و پرهیز از سیاسی‌سازی مساجد؛ بنابراین می‌توان اندیشه عمر بن الحفیظ را تداوم و درعین حال ارتقای جریان «عرفان اجتماعی عقلانی» دانست؛ جریانی که در آثار متفکرانی مانند مطهری و شفیع کدکنی ریشه دارد، اما در اندیشه الحفیظ به الگویی کاربردی، اخلاق‌محور و جامعه‌ساز تبدیل شده است. او عرفان را نه صرفاً تجربه‌ای فردی، بلکه مدلی عملی برای

مدیریت اخلاقی جامعه و اصلاح گفتمان دینی در عصر پس از افراط‌گرایی معرفی می‌کند. به این سان، پژوهش حاضر با تأکید بر عقل، اخلاق و عدالت، چارچوبی نو برای تبیین عرفان اجتماعی در بستر معاصر ارائه می‌دهد.

$$PAO = \frac{340}{181+}$$

مقدار به‌دست‌آمده برای ضریب توافق (PAO=۹۱٪) بیانگر سطح بالای پایایی در فرایند کدگذاری داده‌ها در این پژوهش و مقایسه با نمونه مشابه است. این میزان نشان می‌دهد میان کدگذاران، توافق قابل‌قبولی در تشخیص و کدگذاری مضامین وجود دارد و داده‌های تحلیل‌شده از ثبات و قابلیت اتکای مطلوبی برخوردارند.

۷. نتیجه‌گیری

عرفان و معرفت‌شهودی از نیازهای فطری انسان است که در سنت اسلامی با عنوان «عرفان اسلامی» جلوه یافته و هم بعد فردی و هم بعد اجتماعی دارد. با وجود نقش تاریخی عرفان اجتماعی در گسترش اسلام و اصلاح جوامع، پژوهش‌های معاصر عمدتاً بر جنبه فردی آن متمرکز بوده‌اند. در این میان، عمر بن حفیظ، عارف یمنی و بنیان‌گذار دارالمصطفی، الگویی نوین ارائه می‌دهد که سلوک فردی و اجتماعی را توأماً می‌بیند و بر احیای معنویت در حیات جمعی مسلمانان تأکید دارد. این پژوهش به بررسی اندیشه‌های او در بازتعریف جایگاه و کارکرد عرفان اجتماعی در جامعه اسلامی معاصر پرداخت.

در این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، اندیشه‌های عرفانی-اجتماعی عمر بن حفیظ بررسی شد. داده‌ها از هفت مصاحبه منتشرشده در رسانه‌های یمنی و بین‌المللی (۲۰۰۲-۲۰۱۱) گردآوری و با چارچوب شش‌مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل شدند. تنوع زمانی و جغرافیایی مصاحبه‌ها امکان تحلیل تطبیقی و درک تحولات فکری او را فراهم کرد. در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا با استخراج ۱۹۱ کد و تکرار مضامین، اشباع نظری حاصل شد و داده‌ها به مجموعه‌ای منسجم از مضامین عرفان اجتماعی تبدیل شدند.

یافته‌ها نشان می‌دهد اندیشه‌های عمر بن حفیظ جایگاه و کارکرد عرفان را از نگرش فردگرا و انزواگرا به‌مثابه نیروی فعال و تحول‌آفرین و جامعه‌محور منتقل می‌کند. در این رویکرد، عرفان نه تنها یک سلوک شخصی، بلکه ابزاری فعال برای اصلاح اجتماعی، تقویت وحدت انسانی و مواجهه با چالش‌های معاصر مانند افراط‌گرایی، خشونت و گسست‌های فرهنگی است. معنویت فردی، اخلاق و کنش اجتماعی در هم تنیده شده و عرفان به‌عنوان نیروی مؤثر در حیات جمعی مسلمانان بازتعریف می‌شود.

تحلیل مضمون هفت مصاحبه او (۲۰۰۲-۲۰۱۱) نشان می‌دهد مهم‌ترین مؤلفه‌های رویکرد عرفان اجتماعی عمر بن حفیظ در شش محور اصلی تعریف شد: ۱. تأکید بر عرفان اجتماعی مبتنی بر اعتدال و اخلاق اسلامی؛ در این نگاه، عرفان نه به معنای کناره‌گیری از جامعه، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تزکیه نفس، خیرخواهی، خدمت به خلق و اخلاق نیکو در کنش اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی تعریف می‌شود؛ ۲. اصلاح گفتمان دینی و نقش نهادهای دینی؛ بن‌حقیظ مساجد و نهادهای دینی را کانون‌های تربیت معنوی و اخلاقی می‌داند که باید از سیاسی‌سازی مصون بمانند و نقش خود را در اصلاح گفتمان دینی و هدایت جامعه ایفا کنند؛ ۳. پرهیز از خشونت و ترویج عدالت اجتماعی؛ رد ظلم، خشونت و تروریسم و گفتگو، عدالت و انصاف را تنها راه‌حل پایدار برای چالش‌های اجتماعی می‌داند؛ ۴. گفتگو، هم‌زیستی و همکاری اجتماعی؛ این مؤلفه بر پایه ارزش‌های انسانی مشترک استوار است و همکاری برای تحقق منافع عمومی را فارغ از مرزهای دینی تشویق

می‌کند؛ ۵. نقد افراط‌گرایی و تکفیر: بن حفیظ ریشه افراط‌گرایی را در نبود علم صحیح دینی، تربیت نادرست و سوءتفاهم‌های مذهبی می‌داند و اصلاح این موارد را شناسایی ریشه‌های جهل دینی و سوءتفاهم‌های مذهبی و اصلاح گفت‌وگو از طریق آموزش عقلانی و اخلاق محور می‌پندارد؛ ۶. اهمیت علم و تربیت دینی: بهره‌گیری از منابع معتبر علمی و تربیت ایمانی به‌عنوان زیربنای اصلاح فردی و اجتماعی است. این مؤلفه‌ها با الهام از تعالیم وحیانی و سیره نبوی، الگویی از «عرفان خدمت‌محور و جامعه‌نگر» را ارائه می‌دهند و عرفان را به بستری برای تحقق صلح پایدار، توسعه انسانی و انسجام اجتماعی در جوامع اسلامی معاصر تبدیل می‌کنند.

پیامدهای نظری این پژوهش در چارچوب گسترش و تعمیق ادبیات عرفان اسلامی معاصر قابل تبیین است. نخست آنکه با نظام‌مند کردن مبانی فکری عمر بن حفیظ، این مطالعه به غنی‌سازی مفهوم «عرفان اجتماعی» یاری می‌رساند و آن را از سطح تجربه فردی به عرصه‌ای علمی و نظری ارتقا می‌دهد. دوم، یافته‌ها نشان می‌دهد اندیشه بن حفیظ با بازتعریف رابطه میان دینداری و مدرنیته، الگویی از معنویت عقلانی ارائه می‌کند که می‌تواند در مواجهه با چالش‌های جهان مدرن، نقشی اصلاح‌گر و آرام‌بخش ایفا کند. سوم، تبیین نسبت عرفان و عقلانیت اجتماعی در این پژوهش، عرفان را به‌مثابه نیروی عقلانی، اخلاق‌محور و مسئول در اصلاح جامعه معرفی می‌کند. چهارم، نتایج تحقیق چارچوبی نظری برای نقد و تحلیل جریان‌های افراطی فراهم می‌سازد و از عرفان به‌عنوان گفت‌وگویی میان‌رو و ضدخشونت دفاع می‌کند. درنهایت، این پژوهش با پیوند دادن معنویت با عدالت، عقلانیت و اخلاق اجتماعی، بستری نظری برای بازسازی گفت‌وگو عرفان در تمدن اسلامی معاصر فراهم می‌سازد و ظرفیت آن را برای تولید دانش میان‌رشته‌ای در حوزه‌های دین‌پژوهی، اخلاق و جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهد.

پیامدهای عملی این پژوهش نشان می‌دهد الگوی عرفان اجتماعی عمر بن حفیظ ظرفیت بالایی برای کاربست در عرصه‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی جوامع اسلامی دارد. نخست، در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی، اندیشه‌های بن حفیظ می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌های کلان فرهنگی و تربیتی قرار گیرد. تأکید او بر «تربیت چندبعدی» شامل علم، اخلاق، معنویت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، الگویی جامع برای بازنگری در محتوای آموزشی مساجد و مراکز دینی فراهم می‌آورد. دوم، از منظر مدیریت تهدیدات اجتماعی و فرهنگی، این الگو با ترویج گفتگو، هم‌زیستی و آموزش عقلانی، زمینه‌ساز مقابله با افراط‌گرایی، تکفیر و خشونت دینی است و می‌تواند در طراحی راهبردهای بین‌المللی نهادهای دینی و فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. سوم، در بعد تقویت انسجام اجتماعی، رویکرد عرفانی بن حفیظ بر تعامل مسالمت‌آمیز میان گروه‌های فرهنگی و مذهبی تأکید دارد و از طریق گسترش اخلاق گفت‌وگویی، همگرایی اجتماعی را تقویت می‌کند. چهارم، در حوزه اصلاح اخلاق عمومی، بازتعریف عرفان به‌عنوان فرایند تزکیه، خدمت و خیرخواهی می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌های اخلاقی-اجتماعی در نظام تربیتی و رسانه‌ای کشورها مورد استفاده قرار گیرد. درنهایت، از دیدگاه سیاست‌گذاری اجتماعی و توسعه پایدار، الگوی جامعه‌محور بن حفیظ می‌تواند راهنمایی برای طراحی جوامعی صلح‌آمیز و عدالت‌محور باشد که در آن معنویت، عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌صورت یکپارچه تحقق می‌یابد.

۸. پیشنهادها

۱. بررسی کتاب‌ها و خطبه‌های عمر بن حفیظ برای کشف ابعاد عمیق‌تر و نظام‌مندتر اندیشه‌های او؛
۲. مقایسه تطبیقی الگوی عرفان اجتماعی او با عرفای معاصر دیگر برای شناسایی وجوه اشتراک و افتراق و کاربرد در تمدن‌سازی اسلامی؛

۳. انجام پژوهش‌های میدانی و پیمایشی برای ارزیابی اثرگذاری این الگو در تربیت شاگردان و اصلاح اجتماعی جوامع مختلف؛
۴. بهره‌گیری از این الگو در علوم تربیتی، روان‌شناسی مثبت‌نگر و مدیریت فرهنگی برای طراحی مدل‌های بومی تربیت معنوی و رهبری اخلاقی.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). الإشارات والتنبيهات. قم: نشر البلاغه.
- ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالاسلم محمدهارون. قم: دارالفکر.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۰). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی. تهران: گستره.
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۰۲). مصاحبه با روزنامه یمنی ۲۶ سپتامبر. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۰۳). مصاحبه با روزنامه الکترونیکی یمنی المؤتمرت. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۰۳). مصاحبه با مجله الاهرام العربی. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۰۸). مصاحبه با روزنامه الجوده. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۰۹). مصاحبه با نیویورک‌تایمز. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۱۰). مصاحبه با مجله یمنی «شعاع الأمل». <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۱۱). مصاحبه با شبکه تلویزیونی SBS استرالیا. <https://alhabibomar.com>
- بن‌حفیظ، عمر بن محمد بن سالم (۲۰۲۱). وبگاه رسمی عمر الحفیظ <https://www.alhabibomar.com>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). عرفان و حماسه. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- رودگر، محمدجواد (۱۴۰۰). مبانی عرفان اجتماعی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرقره‌چی، اکرم، حسن‌زاده، شهریار، و ناصری، ناصر (۱۴۰۱). بررسی عرفان اجتماعی در اندیشه‌های هنری شفیعی کدکنی و جورج لوکاج. عرفان اسلامی، ۱۹(۷۱)، ۲۷۹-۲۹۴.
- لاپیدوسی، آیرا (۱۳۸۱). تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری زاده. تهران: اطلاعات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). در جستجوی عرفان اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: آدنا.
- موتقی، سید احمد (۱۳۸۴). جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: سمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۱). جلوه‌های معنویت در جهان اسلامی. ترجمه فاطمه شاه‌حسینی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- یثربی، یحیی (۱۳۸۷). عرفان نظری. قم: بوستان کتاب.
- Braun V., & Clarke, V. (2022). *Thematic analysis: A practical guide*. SAGE.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3(2):77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Braun, V. Clarke (2024), Supporting best practice in reflexive thematic analysis reporting in Palliative Medicine: a review of published research and introduction to the Reflexive Thematic Analysis Reporting Guidelines (RTARG), *Palliat. Med.* 38 (6): 608–616. 10.1177/02692163241234800
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18(1). 59–82. <https://doi.org/10.1177/1525822X05279903>

Holsti, O. R. (1969). *Content analysis for the social sciences and humanities*, Reading, MA: Addison-Wesley.

The Muslim 500 (2025). *The World's 500 Most Influential Muslims*. Jordan. The Royal Islamic Strategic Studies Centre. <https://themuslim500.com/about-us/>

A Common Word Between Us & You (2007). <https://www.acommonword.com/signatories/>

Kasiram, Moh. (2008). *Metodologi Penelitian Kuantitatif-Kualitatif*. UIN Malang Press.

Neuendorf, K. A. (2002). *The content analysis guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage

مقاله آماده انتشار